

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۱-۲۶

## بررسی وضعیت مشارکت روستاییان در مدیریت منابع طبیعی جنگلی در بخش بندپی شرقی شهرستان بابل

ناصر علیقلی زاده فیروزجایی و مرتضی مهرعلی تبار فیروزجایی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۵

### چکیده

برنامه ریزی «بالا به پایین»، بخشی نگری و کم توجهی به توسعه جامع و یکپارچه روستایی از موانع اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می رود، که از ویژگی های بارز آن کم توجهی به مردم و مشارکت روستاییان در کارهای مربوط به خود آنهاست. تحقیق حاضر با هدف تبیین عوامل مؤثر بر میزان مشارکت روستاییان منطقه بندپی شرقی در مدیریت منابع طبیعی جنگلی انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل سرپرستان خانوارهای روستایی بخش جنگل نشین منطقه بود که از آن میان، بر اساس رابطه کوکران، ۳۲۸ سرپرست خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. گردآوری داده ها از طریق پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه با روستاییان و تحلیل داده ها با بهره گیری از آزمون های آماری توصیفی (فراوانی، میانگین، و درصد فراوانی) و استنباطی (همبستگی) صورت گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که مشارکت روستاییان در فعالیتهای حفاظتی، احیایی و اجرایی کنونی پایین است، در حالی که ساکنان روستاهای مناطق جنگلی تمایل بسیار بالایی برای مشارکت دارند. همچنین، بررسی

\* به ترتیب، استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران؛ و نویسنده مسئول و دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی تهران (mortezamehralitabar@yahoo.com).

همبستگی بین متغیرها نشان داد که رابطه میزان مشارکت روستاییان در فعالیت‌های منابع طبیعی در وضعیت موجود با عوامل اجتماعی، اقتصادی و نهادی- ساختاری معنی‌دار است.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت، مدیریت، جنگل، توسعه پایدار، بندپی شرقی (بخش)، بابل (شهرستان).

\*\*\*

#### مقدمه

امروزه، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پارادایم حفاظت و مدیریت منابع طبیعی از نوع مدیریت دولت‌محور و از رویکرد بالا به پایین به سمت رویکرد پایین به بالا و مشارکت بهره‌برداران محلی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع طبیعی حرکت کرده است (Shackleton et al., 2002: 23). بر این اساس، مشارکت ساکنان و دخالت ذی‌نفعان در مدیریت منابع طبیعی یک بخش بسیار مهم در مدیریت منابع طبیعی پایدار محسوب می‌شود (Wondolleck and Yaffee, 2000; Daniels and Walker, 2001). در واقع، این روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی که بر حضور هر چه بیشتر عواملان غیردولتی و مشارکت ذی‌نفعان تأکید دارد، ریشه در جنبش‌های اجتماعی- محیطی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ دارد و از این مقطع به بعد، دو مفهوم مشارکت و سیاست‌های توسعه محیطی پایدار در پیوند تنگاتنگ با هم تکامل یافته‌اند (Wesselink et al., 2011; Van Tatenhove and Leroy, 2003). یکی از انواع منابع طبیعی که در دهه‌های اخیر، به‌خاطر نقش آن در تأمین نیازهای حیاتی انسان‌ها و روند تخریبی شدید آن، در بحث مدیریت پایدار منابع طبیعی مورد توجه قرار گرفته، منابع طبیعی جنگلی است، چراکه بنا به اعلان سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو)، علی‌رغم اهمیت منابع جنگلی، مساحت جنگل‌های جهان در سال ۱۹۹۰، ۴/۰۷ میلیارد هکتار، در سال ۲۰۰۰، ۳/۹۸ میلیارد هکتار و در سال ۲۰۱۰، ۳/۹۵ میلیارد هکتار گزارش شده است و این روند کاهشی همچنان ادامه دارد (FAO, 2010). از این‌رو، با توجه اهمیت نقش منابع طبیعی جنگلی در تأمین نیازهای بشری و روند تخریبی در حال رشد آن، صاحب‌نظران عرصه مدیریت منابع طبیعی جنگلی در پی ارائه راهکار برای مدیریت بهینه منابع جنگلی در

دهه‌های اخیر بر نقش محوری مشارکت ساکنان روستایی تأکید کرده‌اند. در این رویکرد، به جای مدیریت منابع جنگلی از طریق گروه‌های خاص، مشارکت همه گروه‌های ذی‌نفع و به‌ویژه ساکنان روستایی در اولویت است (Kant and Lee, 2004: 215). اما در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، که بخش اعظم مناطق جنگلی تحت مالکیت دولت است و دولت‌ها مسئول تنظیم و چگونگی استفاده از منابع جنگلی‌اند، مطالعات نشان داده است که، مدیریت منابع جنگلی متمرکز با رویکرد برنامه‌ریزی بالا به پایین تأثیراتی مخرب را به همراه داشته و بدین ترتیب، آسیب‌پذیری منابع جنگلی با استفاده نادرست توسط برگزیدگان سیاسی و اقتصادی جامعه تشدید شده است (White and Martin, 2005; Agrawal and Gibson, 1999). از این‌رو، ناکارآمدی سازوکارهای صرفاً دولتی در زمینه جنگل‌داری و پیامدهای منفی آن باعث تأکید ویژه بر نقش محوری انسان‌ها و مشارکت آنها در برنامه‌های توسعه‌ای و مدیریتی زیست‌بوم و منابع طبیعی شده است، به گونه‌ای که امروزه در مدیریت این منابع به‌ویژه منابع طبیعی تجدیدشونده، استفاده از مشارکت مردم و جنگل‌نشینان به شدت مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته و برنامه‌هایی نیز با جلب مشارکت جوامع روستایی به عنوان ذی‌نفعان اصلی محیط زیست و منابع طبیعی طرح‌ریزی و اجرا شده است (بهشتی‌سرشت و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۰). در واقع، بی‌توجهی به مشارکت همه گروه‌های ذی‌نفع و به‌ویژه ساکنان روستایی در مدیریت مناطق جنگلی باعث تخریب و تهدید این مناطق شده است، به گونه‌ای که مساحت جنگل‌های کشورمان ایران با یک درصد مساحت دنیا و بیش از یک درصد جمعیت جهان در مقایسه با سطح جنگل‌های دنیا از ۰/۳۶ درصد تجاوز نمی‌کند و همین سطح محدود نیز پیوسته در معرض تهدید است؛ وسعت جنگل‌های ایران ۱۲/۴ میلیون هکتار و تنها ۷/۵ درصد از مساحت کل کشور است، در حالی که در گذشته نوزده میلیون هکتار بوده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). همچنین، بر اساس آمار منتشر شده از سوی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، سطح جنگل‌های شمال در فاصله سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۴۶، ۴/۷ درصد و در فاصله سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۴۶، ۷/۱ درصد کاهش داشته

است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۷۸). از طرف دیگر، مطالعه مناطق جنگلی بخش بندپی شرقی بابل نیز حاکی از آن است که این منطقه جزو مناطق تخریب شده محسوب می شود، به گونه ای که در این منطقه از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۰، ۱۱۶۸ هکتار از سطح مناطق جنگلی کاسته شده و اغلب مناطق تخریب شده مربوط به اطراف جاده ها، مناطق مسکونی و حاشیه تک خانوارهای جنگل نشین است (همان: ۲۸۴-۲۸۳). همچنین، شواهد موجود از ناحیه مورد مطالعه حاکی از آن است که در مدیریت فعلی حاکم بر منابع جنگلی بخش بندپی شرقی بابل، بر مشارکت و توجه به دانش و تجارب بومی تأکید نشده و روند تخریب منابع جنگلی بیانگر تفاوت رویکردهای حاکم با رویکرد مشارکت محور است. بر این اساس، چنین به نظر می رسد که چالش های ناشی از تخریب بی رویه منابع جنگلی با رویکرد مشارکتی قابل بازسازی و قابل رفع است. در این رویکرد، استفاده از دانش بومی و جنبه های اجتماعی اجتماعات پراکنده جنگل نشینان مورد تأکید است و می توان گفت که با تأکید بر دانش بومی و تجارب محلی و نیز با تأکید بر تعاملات همگرا در میان اجتماعات پراکنده جنگل نشین، از تخریب بی رویه منابع جنگلی جلوگیری کرد و به نظر می رسد که با به کارگیری چنین شیوه ای در عرصه های جنگلی شهرستان بابل، معضلات زیست محیطی، تولیدی و اجتماعی مرتفع شود و تصمیمات مدیریت محلی با رویکرد مشارکتی اجتماع محور اعمال برنامه های حفاظت و احیای منابع جنگلی را نیز تا حد زیادی هموار سازد. بدین ترتیب، با توجه به اینکه ناتوانی دستگاه های دولتی با رویکرد متمرکز در حفاظت و احیای مناطق جنگلی افزایش تخریب منابع جنگلی را در ناحیه مورد مطالعه در پی داشته است، این مسئله مشارکت مردم محلی را در مدیریت منابع طبیعی جنگلی در راستای حفاظت از آن ضروری می سازد.

در این زمینه، مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می دهد که میزان منافع جامعه روستایی از برنامه مدیریت جنگل با سطح مشارکت شان در ارتباط است (Maskey et al., 2006). افزون بر این موارد کلی، دیگر موارد جزئی هم هستند که بر میزان مشارکت جنگل نشینان

مؤثر است. در این زمینه، برخی‌ها مشارکت مردم محلی در مدیریت جنگل را تابعی از شرایط سازمانی غیررسمی، ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی اعضا و وضعیت سازمانی کوچک محلی و دیگر عوامل بیرونی می‌دانند. هر دو عوامل درونی و بیرونی به روش‌های متعدد بر قدرت اعضا و میزان مشارکت آنها در مدیریت جنگلی تأثیرگذار است و همچنین، بعضی از تحقیقات بر نقش سرمایه اجتماعی و شرایط اجتماعی و اقتصادی روستاییان تمرکز کرده‌اند که این عوامل بر سطح مشارکت روستاییان در مدیریت جنگل مؤثرند (Dolisca et al., 2006; Lise, 2000; Putman, 1993; Woolcock, 1998).

بر اساس نتایج مطالعات دولیسکا و همکاران (Dolisca et al., 2006)، ویژگی‌های خانوار از دیگر عوامل کلیدی است که بر انگیزه روستاییان در مشارکت و یا عدم مشارکت در برنامه‌های مدیریت جنگلی مؤثر است. لایز (Lise, 2000) و اووباح (Owubah et al., 2001) بدین نتیجه رسیده‌اند که مشارکت ساکنان محلی در برنامه مدیریت جنگل بر اساس زمینه اجتماعی و اقتصادی و جمعیتی مانند جنس، بعد خانوار، سطح سواد، میزان درآمد، سن سرپرست خانوار، وضعیت تأهل و میزان مالکیت زمین متفاوت است. در زمینه رابطه سن با میزان مشارکت، در برخی از مطالعات، سن ساکنان محلی تأثیری در مشارکت‌شان در فعالیت‌های جنگلی نداشته است (Thacher et al., 1997; Zhang, 2001)؛ اما برخی مطالعات دیگر نشان داده‌اند که افراد دارای سن بیشتر در حفظ منابع جنگلی علاقه‌مندترند، در حالی که جوانان بیشتر تمایل دارند در مرحله تصمیم‌سازی مدیریت جنگلی مشارکت کنند (Beach et al., 2005; Atmis et al., 2007). علاوه بر آن، تعلق خاطر ساکنان محلی به جنگل نیز باعث افزایش مشارکت آنها می‌شود (Lise, 2000).

نتایج مطالعات ژانگ و پیرس (Zhang and Pearse, 1996) از کلمبیا بیانگر آن است که مالکیت زمین جنگلی یا مساحت جنگل تحت تصرف روی انگیزه کشاورزان برای مشارکت در فعالیت‌های مدیریت جنگل تأثیرگذار است (فهام و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸). نتایج مطالعات امتج و ساه (Emtage and Suh, 2004: 54) در فیلیپین نشان می‌دهد که میزان

مالکیت زمین و تجارب پیشین فعالیت جنگل‌داری در میزان دخالت و مشارکت ساکنان در مدیریت مناطق جنگلی مؤثر است. لینگانی و همکاران (Lingani et al., 2011: 292) در مطالعه‌ای از بورکینافاسو بدین نتیجه رسیدند که جنسیت، تعداد اعضای خانوار، منبع درآمد، وضعیت مالکیت زمین و کمک‌های فناوری در میزان مشارکت ساکنان در برنامه و طرح مدیریت مناطق جنگلی مؤثرند (Lingani et al., 2011: 292). یافته‌های چوداری در مطالعه‌ای در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که خانوارهای روستایی مسن‌تر و با سطح تحصیلات بالاتر بیشتر در فعالیت‌های جنگل‌داری اجتماعی مشارکت می‌کنند (فهام و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸). در همین زمینه، یافته‌های مطالعات فهام و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که جنگل-نشینان مسن‌تر کمتر در فعالیت‌های احیا و توسعه جنگل مشارکت دارند. جلالی و همکاران در سال ۲۰۰۶ بیان کرده‌اند که بین سطح سواد، سطح منفعت-هزینه و دانش فنی دامداران یا میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی ارتباط معنی‌دار وجود دارد (امیرنژاد، ۱۳۹۰: ۲۲۹). مطالعات عظیمی و امیری لمر (۱۳۸۷: ۱۷۱) از مناطق جنگلی شهرستان رضوان‌شهر بیانگر آن است که استفاده از رویکرد مشارکتی در محافظت از جنگل، کاهش فقر و افزایش پایداری محیط زیست مؤثر است. زند بصیری و غضنفری (۱۳۸۹: ۱۲۷) در مطالعات خود با عنوان «تدوین مهم‌ترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس»، مدیریت مشارکتی، منابع مالی ضعیف برای اداره جنگل و کاهش هزینه‌های اداره جنگل را به ترتیب، پس از تصمیم‌سازی‌های نامناسب، مهم‌ترین پیامد و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل زاگرس ذکر کرده‌اند. امیرنژاد در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی برای تمایل به خروج دام از جنگل‌های استان مازندران» بدین نتیجه رسید که میزان درآمد، سطح سواد و تجربه دامداران مناطق جنگلی نقش اساسی در طرح خروج دام از جنگل داشته است؛ همچنین، حفظ منابع طبیعی و تمایل به مشارکت در

طرح‌های مرتع‌داری اثر مثبت و معنی‌دار بر تمایل دامداران به طرح خروج دام از جنگل داشتند (امیرنژاد، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

بدین ترتیب، نتایج مطالعات انجام‌شده در زمینه مدیریت منابع طبیعی مناطق جنگلی بیانگر اهمیت بالای مشارکت ساکنان روستاهای این مناطق است که عوامل متعدد نظیر ویژگی‌های فردی و عوامل اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و قانونی در میزان مشارکت مردم تأثیرگذار است. از این‌رو، نقش مشارکت ساکنان روستایی در سطوح حفاظت از جنگل و فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از آن و شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در مدیریت منابع طبیعی پایدار و در نتیجه، کاهش تخریب منابع جنگلی بسیار مهم و کلیدی است؛ همچنین، تاکنون در مطالعات انجام‌شده در کشورمان، به بحث مشارکت در سطوح مختلف و رابطه آن با عوامل تأثیرگذار بر مشارکت و با رویکرد مدیریت منابع طبیعی پایدار توجه اندکی شده و از این‌رو، بررسی این موضوع در راستای مدیریت منابع طبیعی پایدار ضروری است. در این راستا، مطالعه حاضر بر آن است که با تبیین مفاهیم و مبانی نظری مرتبط با موضوع، به بررسی میزان مشارکت فعلی روستاییان در سطوح مختلف در مدیریت منابع طبیعی جنگلی منطقه و رابطه آن با عوامل تأثیرگذار بپردازد و بدین پرسش‌ها پاسخ دهد که «مشارکت اجتماعی در مدیریت منابع جنگلی محدوده مورد مطالعه در چه سطحی است؟» و «سطح مشارکت فعلی جنگل‌نشینان در مدیریت منابع جنگلی با چه عواملی در ارتباط است؟».

### مبانی نظری تحقیق

نظریه پردازان توسعه بر این باورند که توسعه پایدار بدون مشارکت محلی و مردمی امکان‌پذیر نیست (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۰۴). میسرا مشارکت را پدیده‌ای می‌داند که دارای چهار بعد صیانت نفس، درک خود، قدرت تصمیم برای خود و تسلط بر نفس است (توسلی، ۱۳۸۲: ۱۰۰). اوکلی و همکاران (Oakley et al., 1999: 8-9) برای تعریف مشارکت به بیان سه تفسیر در خصوص

مشارکت می‌پردازند که عبارت‌اند از: ۱- مشارکت به عنوان سهم داشتن، که معتقد است این تفسیر در مورد پروژه‌های بهداشتی، تأمین آب، جنگل‌داری، منابع طبیعی و امور زیربنایی در جهان سوم صادق است که دارای اهداف از پیش تعیین‌شده‌اند؛ ۲- مشارکت به عنوان سازمان، که در این تفسیر، سازمان به عنوان سازوکار اصلی مشارکت مطرح می‌شود و بر تشکیل تعاونی‌ها، مؤسسات کشاورزی، کمیته‌های مربوط به مدیریت منابع آب و مانند اینها تأکید می‌کند؛ ۳- مشارکت به عنوان توانمندسازی، که در این تفسیر، برخوردار شدن مشارکت‌کنندگان از مهارت، دانش، قابلیت‌های توسعه‌ای و توان تصمیم‌گیری مورد تأکید قرار می‌گیرد.

برخی از محققان معتقدند که الگوی توسعه با تأکید بر رهیافت مشارکتی با حرکتی از پایین و دوسویه، اگر چه در ابتدا ممکن است با کارایی آرمانی روبه‌رو نباشد، اما عاملی مؤثر در افزایش توان اجتماعات در پاسخ‌گویی به نیازهایشان و شرکت مردم در جریان توسعه است. این رهیافت به دلیل حضور مردم در مدیریت محلی، گرایش به درون‌زایی، عدالت‌خواهی و سازگاری با محیط زیست دارد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۶). بانک جهانی، مشارکت جوامع روستایی به منظور استفاده بهینه از منابع موجود در روستا را از راه‌های اساسی در اجرای اولویت‌های توسعه روستایی می‌داند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲-۲۹).

در خصوص میزان اهمیت مشارکت جوامع محلی و روستاییان جنگل‌نشین در مدیریت منابع جنگلی، هاردین<sup>(۱)</sup> معتقد به کم‌اهمیت بودن مشارکت است و به نوعی در خصوص مدیریت جنگل به نقش محوری دولت در مدیریت منابع جنگلی اعتقاد دارد و ساکنان محلی را به عنوان تهدیدی برای حفظ جنگل می‌داند (Lingani et al., 2011: 292). در مقابل، برخی از متخصصان، اصلاحات سیاسی و انتقال بهره‌برداری اقتصادی جنگل از دولت به ساکنان محلی و حقوق مدیریت به اجتماعات محلی واقع در روستاهای مناطق جنگلی را در راستای پاسخ به ناکارآمدی دیوان‌سالاری متمرکز در خصوص مدیریت جنگل و تأمین نیازهای روستاییان پیشنهاد داده‌اند (Meinzen-Dick et al., 1999; Weeks and Packard, 1997)؛ و همسو با این دیدگاه، محققان دیگر معتقدند که ساکنان محلی واقع در جنگل می‌توانند



به گونه‌ای ماهرانه جنگل را از طریق فعالیت‌های جمعی مدیریت کنند (Chopra et al., 1990; Guthiga, 2008). بدین ترتیب، اکنون مشارکت مردم محلی به گونه‌ای گسترده در قالب نقشی بسیار تعیین‌کننده برای مدیریت جنگلی پایدار در نظر گرفته می‌شود و بر دخالت و مشارکت مردم محلی در مدیریت جنگل‌ها به عنوان یک مؤلفه بسیار مهم سیاست محیطی در کشورها تأکید می‌شود (Lingani et al., 2011: 292).

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی به منظور تحلیل وضعیت مشارکت روستاییان در مدیریت جنگل‌های بخش بندپی شرقی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش تمامی سرپرستان خانوارهای جنگل‌نشین این بخش است که بر اساس آمار مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) شامل ۷۵۹۹ خانوارند که از آن میان، ۲۲۲۵ خانوار در داخل مناطق جنگلی سکونت دارند؛ از بین آنها بر طبق رابطه کوکران تعداد ۳۲۸ سرپرست خانوار به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده و افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری نظام‌مند ساده انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها علاوه بر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از پرسشنامه استفاده شده است که سؤالات فردی و کلی در ارتباط با مشارکت روستاییان در قالب پرسشنامه در دو بخش تنظیم شده، که اطلاعات کلی آن در جدول ۱ آمده است.

همچنین، برای غنی‌تر شدن تحقیق، به صورت تصادفی با سی نفر از کسانی که پرسشنامه پر کردند، مصاحبه نیز انجام شده و از این رو، در پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق علاوه بر استنباط آماری از نکات شفاهی مطرح‌شده نیز استفاده شده است. برای سنجش اعتبار یا روایی ابزار اندازه‌گیری، از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد؛ بدین ترتیب، روایی ظاهری و مفهومی پرسشنامه از طریق نظر مشورتی چند نفر از متخصصان مرتبط به دست آمد و میزان پایایی همه اجزای پرسشنامه، پس از اصلاح، ۰/۸۴ بوده و نتایج نیز بیانگر معنی‌داری و در سطح مناسب بودن این ضریب است. در تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، علاوه بر روش‌های آماری توصیفی، از

آزمون‌های آماری استنباطی نظیر همبستگی و آزمون فریدمن استفاده شده است. بر اساس مقیاس متغیرها، از آزمون‌های همبستگی مختلف استفاده شد. در تحقیق حاضر، متغیرها دارای مقیاس‌های مختلف نظیر مقیاس ترتیبی، اسمی و نسبی بودند، به طوری که اگر هر دو متغیر دارای مقیاس نسبی بودند، از آزمون همبستگی پیرسون و اگر هر دو متغیر دارای مقیاس ترتیبی و یا یکی از متغیرها اسمی و دیگری نسبی بودند، به ترتیب، از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و آتا استفاده شد.

#### جدول ۱- سؤال‌ها، متغیرها و شاخص‌های پژوهش

بخش‌ها	سؤال‌های اصلی	متغیرها	شاخص‌ها
۱-۳	مشارکت اجتماعی در مدیریت منابع جنگلی محدوده مورد مطالعه در چه سطحی است؟	در سطح احیای جنگل	مشارکت در زمینه درخت‌کاری مشارکت در برنامه‌های آموزشی - ترویجی احیای جنگل مشارکت در طرح‌های ابنخیزداری
		در سطح حفاظت از جنگل	مشارکت در زمینه برنامه‌های جایگزینی مصالح ساختمانی و سوخت روستایی مشارکت در زمینه مقابله با قاچاقچیان و مصارف غیرعرف روستایی مشارکت در زمینه خروج دام از جنگل مشارکت در بهره‌برداری از درختان سالخورده
۱-۳	سطح مشارکت فعلی جنگل نشینان در مدیریت منابع جنگلی با چه عواملی در ارتباط است؟	در سطح بهره‌برداری از جنگل	مشارکت در زمینه تشکیل و پویایی تعاونی‌های بهره‌برداری از جنگل مشارکت در طرح‌های بهره‌برداری از سوی شرکت خصوصی بهره‌بردار بعد خانوار
		عوامل اجتماعی	میزان سواد (سرپرست خانوار) سن (سرپرست خانوار) شغل (سرپرست خانوار) (امتیاز) میزان درآمد تعداد دام
۱-۳	عوامل اقتصادی	عوامل نهادی - ساختاری	میزان مساحت جنگل تحت تصرف دیدگاه اداره‌های مربوط به مدیریت منابع طبیعی محلی به مشارکت نقش رسانه‌های جمعی در مشارکت‌افزینی نقش تشکل‌های مردم‌نهاد
			عوامل اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

منطقه مورد مطالعه در حدود ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان بابل بود. از ویژگی‌های بارز این منطقه می‌توان به وجود خانوارهای پراکنده و منفرد اشاره کرد که به تعداد زیاد در سطح منطقه و در داخل اراضی جنگلی پراکنده‌اند. این مجموعه‌های کوچک مسکونی به صورت لکه‌هایی روشن در تصاویر ماهواره ای قابل رویت‌اند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۷۹). این منطقه دارای سطحی حدود پانزده هزار هکتار بوده، در محدوده ارتفاعی ۶۰۰ تا ۷۶۰ متر قرار گرفته است.

بخش بندپی شرقی از لحاظ تقسیمات سیاسی شامل دو دهستان است. این دهستان‌ها شامل سجادرود با ۱۳۴ آبادی و ۲۶۸۰۹ نفر جمعیت و فیروزجاه با ۶۰ آبادی و ۳۲۰۱ نفر جمعیت است. از لحاظ توپوگرافی این بخش مرکب از دو بخش جلگه‌ای و جنگلی - کوهستانی است؛ محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر بخش جنگلی - کوهستانی واقع در جنوبی‌ترین ناحیه این بخش بوده است.

از نظر طبیعی، منطقه به سه قسمت پایین‌بند، میان‌بند و بالابند تقسیم می‌شود که مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی این منطقه در ارتباط با متغیر ارتفاع در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی بخش بندپی شرقی در ارتباط با متغیر

ارتفاع (به درصد)

ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی	پایین‌بند	میان‌بند	بالابند
پراکنش واحدهای دامداری	۳۵	۵۰	۱۵
پراکنش واحدهای زراعی	۵۷	۳۳	۱۰
پراکنش باغ‌ها	۸۰	۱۵	۵
پراکنش آبادی‌ها	۴۵	۳۰	۲۵
پراکنش خانوارها	۵۵	۳۵	۱۰

منبع: یافته‌های پژوهش

## نتایج و بحث

### یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه، به جز معدودی از پاسخ‌گویان (بیست نفر) با سابقه سکونت کمتر از سی سال، تمامی پرسش‌شوندگان سابقه سکونت خود را از بدو تولد اعلام کرده و این محل زندگی را زادگاه نیاکان خود دانسته‌اند. از نظر اقتصادی، فعالیت غالب ساکنان وابسته به منابع جنگلی است. در واقع، این منطقه از روستاهای پراکنده بهره‌بردار از منابع جنگلی تشکیل شده است و روستاییان به صورت خانوارهای کوچک در عرصه‌های جنگلی پراکنده شده‌اند و در محدوده‌های عرفی مشخص به بهره‌برداری از منابع جنگلی می‌پردازند. شغل غالب ساکنان این منطقه دامداری مبتنی بر پرورش گاو و گوسفند به شیوه سنتی و نیمه‌صنعتی در مناطق جنگلی دامنه شمالی البرز است.

جنگل‌نشینان منطقه با توجه به امکاناتی که محیط طبیعی در اختیار آنها قرار می‌دهد، به شکل‌های مختلف به بهره‌برداری از جنگل می‌پردازند. در این ناحیه، بهره‌برداری غالب آنها از جنگل، چرای دام یا تأمین علوفه برای دام است؛ و از آنجا که دامداری فعالیت عمده ساکنان به شمار می‌رود، تحول و دگرگونی فعالیت اقتصادی ساکنان به دلایل مختلف با دشواری‌های جدی روبه‌روست. شایان یادآوری است که دامداری در بخش بندپی شرقی به صورت بهره‌برداری فردی (دامداری خانواری) به دو شکل سنتی و نیمه‌صنعتی (بسیار محدود، اما در حال رشد) رواج دارد.

بنا بر مشاهده میدانی و مصاحبه به عمل آمده، شکل اصلی دامداری منطقه به صورت سنتی و بهره‌برداری فردی مستقل است. در این شکل، خانوارها معمولاً چند هکتار (میانگین پانزده هکتار) جنگل را به صورت عرفی تحت تصرف دارند و در واقع، خانوارهای بهره‌بردار خود را مالک جنگل می‌دانند و دام خود را در محدوده تصرفی جنگل رها می‌کنند. بهره‌برداران در فصل تابستان به مناطق بیلاقی رفته و بخشی از علوفه خود را از منطقه بیلاقی تأمین می‌کنند؛ همچنین، باید گفت دامداران این گروه در فصل سرما از علوفه و خوراک صنعتی نیز استفاده می‌کنند.

بر اساس یافته‌های توصیفی، ۴۴ درصد خانوارها معتقدند که وضعیت و کیفیت منابع جنگلی نسبت به گذشته بدتر شده است و دیدگاه آنها با کارشناسان متفاوت است، به گونه‌ای که آنها سکونت خود در جنگل و نیز شیوه اقتصاد دامی را در تخریب جنگل مؤثر نمی‌دانند و در عین حال، خود را مراقبان جنگل و سکونت در جنگل را حق مسلم خود می‌دانند. در میان جامعه مورد بررسی، تنها ۳۵ درصد معتقدند که وضعیت جنگل‌ها نسبت به گذشته تغییر نکرده و حتی بهتر شده است؛ دلیل آن هم احتمالاً این است که این دسته در جاهای صعب‌العبور زندگی می‌کنند و یا تعریفی مشخص از تخریب منابع جنگلی ندارند. در نهایت، ۲۱ درصد از افراد نمونه اعتقاد به شدید شدن تخریب جنگل داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق در زمینه جایگاه مدیریت دولتی درباره منابع جنگلی بیانگر نکاتی ویژه است. در این ارتباط، از ساکنان بومی خواسته شد تا نقش و جایگاه دولت را در صیانت و حفاظت از جنگل‌ها و روند فعلی مدیریت بیان کنند. به گفته بیشتر پاسخ‌گویان، با توجه پراکندگی جمعیت، وابستگی ساکنان روستایی (جنگل‌نشینان) به منابع جنگل و پیچیدگی‌های خاص ناشی از فرهنگ و شیوه خاص زندگی در منطقه جنگلی، دولت قادر به محافظت از جنگل با روند و شیوه مدیریت فعلی نخواهد بود. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۵۱ درصد جنگل‌نشینان اظهار کرده‌اند که مسئولان ذی‌ربط به نیازها و خواسته‌های آنها اهمیت خیلی کم می‌دهند.

در ادامه تحلیل توصیفی از داده‌های میدانی در ارتباط با دلایل تخریب از دیدگاه پاسخ‌گویان، چنین برداشت می‌شود که در بیشتر موارد، روستاییان ساکن معتقدند که گذران معیشت آنها در پهنه جنگلی منجر به تخریب می‌شود اما سکونت آنها دلیل اصلی تخریب جنگل نیست؛ در عوض، آنها شیوه مدیریت جنگل و برخی از عوامل زیرساختی را عامل اصلی می‌دانند، به گونه‌ای که اظهار داشته‌اند در صورت اصلاح شیوه مدیریتی و مشارکت دادن مردم محلی در فرایند مدیریت و برداشتن موانع زیرساختی، بسیاری از موانع صیانت از جنگل برداشته می‌شود و تدوام معیشت ساکنان و حفظ و ارتقای کیفیت منابع جنگلی در

راستای هم محقق خواهد شد. بر اساس یافته‌های میدانی، از نظر پاسخ‌گویان، در صورت رفع موانعی که خود موجب تخریب جنگل در این منطقه می‌شوند، بسیاری از مشکلات زیست‌محیطی جنگل برطرف می‌شود؛ در این خصوص، مهم‌ترین عامل تخریب جنگل از دیدگاه پاسخ‌گویان مدیریت متمرکز و غیرمشارکتی و فقر اقتصادی منطقه بوده که میانگین آنها به ترتیب، ۴/۹ و ۴/۸ است (جدول ۳). همچنین، برای رتبه‌بندی متغیرهای مربوط به دلایل تخریب جنگل از دیدگاه روستاییان، از آزمون فریدمن استفاده شده که بر اساس نتایج این آزمون، میزان کای اسکوتر ۱۹۵۰/۲۴ با درجه آزادی ۸ و در سطح آلفای کمتر از یک درصد (سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰) معنی‌دار بوده است. بنابراین، بین متغیرها تفاوت معنی‌دار به لحاظ دلایل تخریب جنگل از دیدگاه روستاییان وجود دارد؛ در این خصوص، بالاترین میانگین رتبه مربوط به مدیریت متمرکز و غیرمشارکتی و پایین‌ترین میانگین رتبه مربوط به سکونت خانوارهای روستایی در جنگل بوده است.

جدول ۳- دلایل تخریب جنگل از دیدگاه روستاییان

رتبه	میانگین رتبه بر اساس آزمون فریدمن	طیف پاسخ‌ها					خیلی کم	خیلی زیاد	دلایل تخریب جنگل از دیدگاه روستاییان
		میانگین	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم			
۱	۷/۳۵	۴/۹	۹۲/۳	۶/۱	۱/۶	۰	۰	مدیریت متمرکز و غیرمشارکتی	
۲	۷/۳۲	۴/۸	۹۰/۳	۶/۷	۳	۰	۰	فقر اقتصادی	
۵	۵/۴۶	۴/۱	۵۰/۸	۲۳/۵	۱۵/۵	۷/۲	۳	عدم تنوع شغلی در منطقه	
۳	۵/۸۹	۴/۳	۴۸	۴۰/۴	۶/۱	۵/۵	۰	نبودن ویا گرانی مصالح ساختمانی و سوخت جایگزین	
۶	۵/۰۵	۳/۵	۳۹/۳	۴۰	۵/۷	۱۰	۵	ضعف امکانات زیرساختی مثل راه، تلفن و رسانه‌های جمعی	
۴	۵/۵۷	۴/۲	۴۰	۴۵/۳	۱۰/۸	۳/۹	۰	عدم آگاهی و پایین بودن دانش زیست‌محیطی ساکنان	
۷	۴/۳۶	۳/۷	۳۳/۶	۳۵	۱۲/۵	۱۰	۹/۹	عدم اعتماد به وعده‌های مسئولان دولتی	
۸	۲/۵۸	۲/۸	۱۸	۱۰	۳۳/۲	۲۰/۲	۱۸/۶	وجود دام در جنگل	
۹	۱/۴۲	۱/۹	۵	۵/۲	۲	۵۵/۷	۳۳/۹	سکونت خانوارهای روستایی در جنگل	

منبع: یافته‌های پژوهش

### یافته‌های استنباطی

#### وضعیت میزان مشارکت روستاییان در سطوح مختلف

مشارکت فعلی روستاییان (مشارکت در کل سطوح) در مدیریت منابع طبیعی مناطق جنگلی در حد کمتر از متوسط و در سطح خیلی کم بوده، به گونه‌ای که میانگین مشارکت کلی برابر با ۱/۵۶ است. اما مشارکت روستاییان در سطوح مختلف دارای تفاوت معنی‌دار است. به طور جزئی، مشارکت در سطوح مختلف و در فعالیت‌های متعدد بررسی شده که در پی، مشارکت به تفکیک سطوح تبیین می‌شود.

#### • مشارکت در سطح فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از جنگل

در پژوهش حاضر، میزان مشارکت در سطح بهره‌برداری از جنگل با سه متغیر در طیف لیکرت از پاسخ‌گویان پرسش شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که مشارکت در این سطح بسیار کم بوده، میانگین آن برابر با ۱/۵ است که کمترین مقدار مشارکت در سطوح سه‌گانه را نشان می‌دهد. در بین شاخص‌های این متغیر، مشارکت در بهره‌برداری از درختان سالخورده با مقدار ۱/۲ کمترین میزان مشارکت را نشان می‌دهد.

#### • مشارکت در سطح احیا و توسعه جنگل

مشارکت در سطح احیا و توسعه جنگل متغیر دیگری است که در راستای سنجش میزان مشارکت روستاییان، با سه شاخص بررسی شده است. مطابق با داده‌های جدول ۴، نتایج حاصل از پرسشنامه بیانگر آن است که میزان مشارکت در این سطح با میانگین ۱/۶، هرچند اندکی بیش از میزان مشارکت در بهره‌برداری است، مقدار بسیار کمی را نشان می‌دهد.

#### • مشارکت در سطح فعالیت‌های مربوط به حفاظت از جنگل‌ها

نتایج حاصل از پژوهش در مورد میزان مشارکت افراد در سطح حفاظت از جنگل‌ها حاکی از آن است که میانگین سه شاخص لحاظ‌شده برای سنجش مشارکت در این سطح بسیار پایین و رقم آن برابر با احیای جنگل بوده که ۱/۶ است. در این سطح، میزان مشارکت در برنامه خروج دام از جنگل با رقم ۱/۵، پایین‌ترین میزان را نشان می‌دهد (جدول ۴).

جدول ۴- میزان مشارکت ساکنان در سطوح مختلف

متغیرها	شاخص‌ها	طیف			
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
در سطح احیای جنگل	مشارکت در زمینه درخت‌کاری	۴۹	۴۵/۲	۵/۸	۰
	مشارکت در برنامه‌های آموزشی - ترویجی احیای جنگل	۴۱/۵	۵۵	۳/۵	۰
	مشارکت در طرح‌های آبخیزداری	۴۳/۹	۴۳	۱۱/۱	۲
در سطح حفاظت از جنگل	مشارکت در زمینه برنامه‌های جایگزینی مصالح ساختمانی و سوخت روستایی	۳۹	۵۰/۲	۸	۳/۸
	مشارکت در زمینه مقابله با قاچاقچیان و مصارف غیرعرف روستایی	۴۰	۴۰	۱۱/۵	۸/۵
	مشارکت در زمینه خروج دام از جنگل	۶۹/۹	۲۵	۴/۱	۰
در سطح بهره‌برداری از جنگل	مشارکت در بهره‌برداری از درختان سالخورده	۷۵	۲۵	۰	۰
	مشارکت در زمینه تشکیل و پویایی تعاونی‌های بهره‌برداری از جنگل	۳۸/۸	۵۰/۱	۱۱/۱	۰
	مشارکت در طرح‌های بهره‌برداری از سوی شرکت خصوصی بهره‌بردار	۳۵	۴۵/۸	۱۵/۹	۳/۳

منبع: یافته‌های پژوهش

از سوی دیگر، در تحقیق حاضر، تلاش شده است تا میزان تمایل روستائیان جنگل‌نشین در مدیریت جنگل بررسی شود. در این راستا، نتایج مصاحبه میدانی با روستائیان این منطقه بیانگر آن است که در تصمیم‌گیری و سیاست‌های مربوط به جنگل‌نشینان، مسئولان کمترین مشاوره را از آنها می‌گیرند؛ اما در عین حال، تمایل دارند تا در مدیریت منابع طبیعی مشارکت داشته باشند، به گونه‌ای که میانگین میزان تمایل به مشارکت در سطح احیای جنگل، تمایل در سطح بهره‌برداری از جنگل و تمایل در سطح حفاظت از جنگل، به ترتیب، ۴/۲، ۴ و ۳/۳ بوده است که نشان از تمایل بالای روستائیان در زمینه مشارکت در مدیریت منابع طبیعی بوده است (جدول ۵). همچنین، برای رتبه‌بندی میزان تمایل به مشارکت



روستاییان در سطوح مختلف از آزمون فریدمن استفاده شده است. میزان کای اسکوتر بر اساس این آزمون، ۱۸۱۸/۰۷۹ به دست آمده و در سطح آلفای کمتر از یک درصد معنی دار بوده است. بر اساس این آزمون، بالاترین میانگین رتبه تمایل به مشارکت مربوط به مشارکت در بهره‌برداری از درختان سالخورده با میانگین رتبه ۸/۹۱ و پایین‌ترین میانگین رتبه مشارکت مربوط به مشارکت در برنامه‌های آموزشی-ترویجی احیای جنگل با میانگین رتبه ۲/۲۷ بوده است (جدول ۵).

جدول ۵- میزان تمایل به مشارکت روستاییان در فعالیتهای مختلف حفاظتی و اجرایی جنگل‌ها

رتبه	میانگین رتبه بر اساس آزمون فریدمن	طیف				کم	خیلی کم	شاخص‌ها	متغیرها
		میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط				
۷	۴/۰۴	۴/۳	۴۵	۴۵	۱۰	۰	۰	تمایل به مشارکت در زمینه درخت‌کاری	
۹	۲/۲۷	۴/۱	۳۳/۳	۵۲	۵/۷	۱۰	۰	تمایل به مشارکت در برنامه‌های آموزشی-ترویجی احیای جنگل	تمایل در سطح احیای جنگل
۶	۴/۶۱	۴/۴	۵۱	۴۴/۴	۴/۶	۰	۰	تمایل به مشارکت در طرح‌های آبخیزداری	
		۴/۲				میانگین کلی			
۴	۴/۷۹	۴/۷	۸۳	۸/۸	۸/۲	۰	۰	تمایل به مشارکت در زمینه برنامه‌های جایگزینی مصالح ساختمانی و سوخت روستایی	
۲	۵/۲۹	۴/۲	۴۴	۳۰/۳	۲۵/۷		۰	تمایل به مشارکت در زمینه مقابله با قاچاقچیان و مصارف غیرعرف روستایی	تمایل در سطح حفاظت از جنگل
۸	۳/۱۹	۱/۱	۰	۰	۱	۱۰	۸۹	تمایل به مشارکت در زمینه خروج دام از جنگل	
		۳/۳				میانگین کلی			
۱	۸/۹۱	۴/۹	۹۵	۵	۰	۰	۰	تمایل به مشارکت در بهره‌برداری از درختان سالخورده	
۵	۴/۶۵	۳/۸	۳۰/۳	۳۰	۳۰/۳	۹/۴	۰	تمایل به مشارکت در زمینه تشکیل و پویایی تعاونی‌های بهره‌برداری از جنگل	تمایل در سطح بهره‌برداری از جنگل
۳	۵/۲۶	۳/۳	۲۵/۲	۳۵	۱۵	۱۰/۸	۱۴	تمایل به مشارکت در طرح‌های بهره‌برداری از سوی شرکت خصوصی بهره‌بردار	
۱۸۱۸/۰۷۹	میزان کای اسکوتر					میانگین کلی			
۸	درجه آزادی	۴							
۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری								

منبع: یافته‌های پژوهش

### عوامل مؤثر بر مشارکت پایین روستاییان در مدیریت منابع طبیعی جنگلی

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عوامل متعدد نظیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی - ساختاری بر میزان مشارکت فعلی و یا بالفعل روستاییان در مدیریت منابع طبیعی جنگلی مؤثر بوده است. در این ارتباط، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت فعلی در محدوده مورد مطالعه عوامل اقتصادی بوده، به گونه‌ای که بررسی‌های حاصل از آزمون همبستگی نشان داده است که وضعیت اقتصادی سرپرستان خانوار با میزان تمایل آنها به مشارکت در فعالیت‌های مختلف حفاظتی و اجرایی ارتباط مستقیم دارد، چنان‌که بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، میزان درآمد با میزان مشارکت با ضریب همبستگی  $0/7$ ، شدت همبستگی بسیار بالایی را بین این دو متغیر نشان می‌دهد. این نتیجه با نتایج تحقیقات لایز (Lise, 2000) و جلالی و همکاران (به نقل از: امیرنژاد، ۱۳۹۰) نیز منطبق است. در نهایت، بر اساس نتایج آزمون همبستگی پیرسون، میزان همبستگی بین تعداد دام و میزان مساحت جنگل تحت تصرف با میزان مشارکت فعلی، به ترتیب،  $0/322$  و  $0/22$  و نیز با سطح معنی‌داری، به ترتیب،  $0/00$  و  $0/011$  بیانگر ارتباط معنی‌دار بین متغیرهای یادشده است. مشابه همین نتیجه در تحقیقات ژانگ و پیرس (Zhang and Pearse, 1996)، لایز (Lise, 2000)، امتج و ساه (Emtage and Suh, 2004) و لینگانی و همکاران (Lingani et al., 2011) نیز به دست آمده که بیانگر ارتباط مستقیم و معنی‌دار بین میزان مشارکت روستاییان با میزان مالکیت زمین و مساحت جنگل تحت تصرف‌شان است (جدول ۶).

#### جدول ۶- آزمون معنی‌داری رابطه بین متغیر مشارکت فعلی روستاییان و متغیرهای اقتصادی

نوع مؤلفه مستقل تأثیرگذار بر میزان مشارکت فعلی روستاییان	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
میزان درآمد	$0/7$	$0/000$
تعداد دام	$0/322$	$0/000$
میزان مساحت جنگل تحت تصرف	$0/22$	$0/011$

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین، نتایج مطالعات حاکی از تأثیرگذاری برخی عوامل اجتماعی- فرهنگی بر میزان مشارکت روستاییان است. در این زمینه، میزان بعد خانوار تأثیر منفی بر میزان مشارکت ساکنان روستاهای پراکنده منطقه داشته است، به طوری که نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون، با ضریب همبستگی  $-0/61$ ، و سطح معنی داری  $0/014$ ، همبستگی معکوس معنی دار را بین دو متغیر بعد خانوار و میزان مشارکت در منطقه نشان می دهد. در منطقه مورد بررسی، با توجه به بعد خانوار (با میانگین پنج نفر)، مشکلاتی در زمینه های تأمین شغل و درآمد وجود دارد. از این رو، تا زمانی که روستاییان هنوز در دستیابی به شغل و درآمد با مشکل مواجه اند، نمی توان انتظار داشت که در فعالیت های اجرایی و حفاظتی جنگل ها مشارکت داشته باشند. در همین زمینه، لینگانی و همکاران (Lingani et al., 2011) و لایز (Lise, 2000) در تحقیقات خود بدین نتیجه رسیده اند که میزان مشارکت روستاییان در طرح های مناطق جنگلی بر اساس بعد خانوار متفاوت است.

تحلیل همبستگی پیرسون، در زمینه رابطه بین عامل سن و میزان مشارکت با مقدار ضریب همبستگی  $-0/68$  و سطح معنی داری  $0/012$  همانند یافته های تحقیقات فهام و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه ای معکوس و معنی دار را نشان می دهد که تقریباً از شدت همبستگی منفی بالا برخوردار است، به گونه ای که با افزایش سن سرپرستان خانوار ساکنان مناطق جنگلی، میزان مشارکت آنها در مدیریت منابع طبیعی مناطق جنگلی کاهش می یابد. البته تحقیقات تاچر و همکاران (Thacher et al., 1997) و ژانگ (Zhang, 2001) ارتباط مستقیم بین این دو متغیر را رد کرده است، یا با یافته های مطالعات چوداری (به نقل از: فهام و همکاران، ۱۳۸۸) مبنی بر اینکه خانوارهای روستایی مسن تر بیشتر در فعالیت های جنگل-داری اجتماعی مشارکت می کنند، در تضاد است. بر اساس نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن، بین عامل سطح سواد جنگل نشینان و میزان مشارکت به ترتیب، با ضریب همبستگی  $0/555$  و سطح معنی داری  $0/000$  رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد. مشابه همین نتیجه در

تحقیقات لایز (Lise, 2000) و جلالی و همکاران (به نقل از: امیرنژاد، ۱۳۹۰) نیز حاصل شده، که بیانگر اهمیت افزایش دانش و آگاهی روستاییان در تعیین و تغییر سرنوشت خویش است. در نهایت، بر اساس نتایج آزمون همبستگی اتا، سنجش ارتباط بین دو متغیر شغل و میزان مشارکت نیز با ضریب همبستگی ۰/۲۶ و سطح معنی داری ۰/۰۱۸ نشان دهنده ارتباط مثبت و معنی دار بین این دو متغیر بوده است، بیانگر آنکه مشاغلی که موجبات وابستگی و تعلق بیشتری را برای روستاییان فراهم کرده، موجب مشارکت گسترده تر آنها نیز شده است، که نتایج تحقیق لایز (Lise, 2000) این مطلب را تأیید می کند (جدول ۷).

#### جدول ۷- آزمون معنی داری رابطه بین متغیر مشارکت فعلی روستاییان و متغیرهای اجتماعی

نوع مؤلفه مستقل تأثیرگذار بر میزان مشارکت فعلی روستاییان	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
بعد خانوار	-۰/۶۱	۰/۰۱۴
میزان سواد (سرپرست خانوار)	۰/۵۵۵	۰/۰۰۰
سن (سرپرست خانوار)	-۰/۶۸	۰/۰۱۲
شغل (سرپرست خانوار) (امتیاز)	۰/۲۶	۰/۰۱۸

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه تحلیل، در ارتباط با عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت روستاییان، عامل نهادی-ساختاری نیز به عنوان متغیر تأثیرگذار بر میزان مشارکت سنجیده شده است و نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که بین تمامی گویه‌های مربوط به متغیر مستقل نهادی با میزان مشارکت روستاییان، ارتباط مثبت و معنی دار وجود دارد که بیشترین شدت ضریب همبستگی مشارکت فعلی با گویه «دیدگاه مدیران اداره‌های مربوط به مدیریت منابع طبیعی محلی» بوده، به گونه‌ای که بین متغیرهای یادشده، میزان ضریب همبستگی برابر با ۰/۷ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار بوده است، و بعد از آن، به ترتیب، گویه‌های «نقش رسانه‌های جمعی در مشارکت آفرینی» و «نقش تشکل‌های مردم‌نهاد» با میزان ۰/۶۶ و ۰/۵۷ نیز با میزان مشارکت فعلی رابطه مثبت و معنی دار داشته است (جدول ۸).

جدول ۸- آزمون معنی داری رابطه بین متغیر مشارکت فعلی روستاییان و متغیرهای نهادی

نوع مؤلفه مستقل تأثیرگذار بر میزان مشارکت فعلی روستاییان	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
دیدگاه مدیران اداره‌های مربوط به مدیریت منابع طبیعی محلی نسبت به مشارکت	۰/۷	۰/۰۰۰
نقش رسانه‌های جمعی در مشارکت آفرینی	۰/۶۶	۰/۰۰۰
نقش تشکل‌های مردم‌نهاد	۰/۵۷	۰/۰۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحقیق حاضر به تحلیل وضعیت مشارکت روستاییان در مدیریت منابع جنگلی در بخش بندپی شرقی بابل پرداخته و نتایج حاکی از آن است که گرچه ظرفیت‌ها و تمایل به مشارکت مردمی بسیار بالاست (چنان‌که در بررسی میزان تمایل به مشارکت روستاییان، چنین استنتاج شد که اکثر روستاییان در زمینه‌های مختلف نزدیک به صد درصد حاضر به مشارکت‌اند)، اما در وضعیت فعلی میزان مشارکت روستاییان ساکن جنگل بسیار پایین و کمتر از حد متوسط است. در این زمینه، میزان مشارکت روستاییان در سه سطح احیای جنگل، حفاظت از جنگل و بهره‌برداری از جنگل بررسی شده که در هر سه سطح، میزان مشارکت روستاییان پایین‌تر از حد متوسط بوده است. در واقع، مشارکت بسیار پایین مردم محلی در فرایند مدیریت منابع طبیعی در مناطق جنگلی از عوامل تأثیرگذار در تخریب منابع طبیعی در مناطق جنگلی به‌شمار می‌رود. در این راستا، مهم‌ترین عامل تخریب جنگل از دیدگاه پاسخ‌گویان مدیریت متمرکز و غیرمشارکتی و فقر اقتصادی منطقه بوده است. به‌طور کلی، در وضعیت موجود، عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی - ساختاری بر میزان مشارکت مردم محلی در فرایند مدیریت منابع طبیعی در مناطق جنگلی از جمله

عوامل تأثیرگذار شناخته می‌شوند. در این ارتباط، متغیرهای میزان درآمد و دیدگاه مدیران اداره‌های مربوط به مدیریت منابع طبیعی محلی نسبت به مشارکت بیشترین میزان همبستگی را با میزان مشارکت و متغیر میزان جنگل تحت تصرف کمترین میزان همبستگی را با میزان مشارکت فعلی مردم در مناطق جنگلی داشته است. بدین ترتیب، مشارکت جنگل‌نشینان در مدیریت منابع طبیعی با موانعی روبه‌روست که برای رفع آنها پیشنهادهاى زیر ارائه می‌شود:

- برای رفع موانع نهادی- ساختاری، وجود تعاونی‌های کارا و فعال و مؤسسات غیردولتی که از هر لحاظ با شرایط و فرهنگ منطقه سازگار باشند، می‌تواند منجر به مشارکت فعال‌تر ساکنان شود، زیرا تا زمانی که سازوکارها و ساختار مشارکت فعال مردم به صورت سازمان‌یافته و هماهنگ با مدیریت محلی منابع جنگلی فراهم نشود، نمی‌توان حضور آنها را در عرصه‌های متعدد تصمیم‌گیری شاهد بود؛

- برای رفع موانع اجتماعی- فرهنگی مشارکت جنگل‌نشینان، در راستای توانمندسازی مردم منطقه، برگزاری جلسات و اطلاع‌رسانی به‌ویژه از طریق آموزش‌های غیررسمی، به‌منظور آماده‌سازی برای پذیرش مسئولیت جمعی و حفظ منابع جنگلی تلاش شود؛ و

- برای رفع موانع اقتصادی مشارکت، انجام اقداماتی نظیر تأمین علوفه صنعتی برای دامداران و همچنین، تشکیل صندوق اعتباری دامداران و مهم‌تر از همه، ایجاد آن دسته از مشاغل جانبی که کمتر به بهره‌گیری مستقیم از منابع جنگلی منجر می‌شود، از جمله راهکارهای کلیدی به‌شمار می‌رود.

## یادداشت

### 1. Hardiyan

## منابع

- ازکیا، م. (۱۳۸۷)، *توسعه پایدار روستایی*. تهران: اطلاعات.
- امیرنژاد، ح. (۱۳۹۰)، «بررسی میزان تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی برای تمایل به خروج دام از جنگل‌های استان مازندران (مطالعه موردی: جنگل‌های شهرستان ساری)». *مجله علمی و پژوهشی مرتع*، سال ۵، شماره ۲، صص ۲۲۹-۲۳۹.
- بهشتی سرشت، م؛ ثمری، د؛ و میردامادی، س. (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در مدیریت منابع طبیعی». *فصلنامه جنگل و مرتع*، شماره ۸۴، صص ۹۰-۹۵.
- توسلی، غ. (۱۳۸۳)، *مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک*. تهران: دانشگاه تهران.
- دانش مهر، ح. و احمدرش، ر. (۱۳۸۸)، «بررسی نگرش اجتماعی روستاییان نسبت به مشارکت اجتماعی، مطالعه موردی: روستای دشه از توابع شهرستان پاوه». *مجله توسعه روستایی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۹-۱۵۶.
- رضوانی، م. (۱۳۸۳)، *برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران*. تهران: قومس.
- رفیعیان، ا؛ درویش‌صفت، ع؛ و نمیرانیان، م. (۱۳۸۵)، «تعیین تغییرات گستره جنگل‌های شمال کشور بین سال‌های ۷۳ تا ۸۰ با استفاده از سنجنده تصاویر ماهواره‌ای ETM+ (مطالعه موردی جنگل‌های بابل)». *مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی*، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۲۷۷-۲۸۶.
- زند نصیری، م. و غضنفری، ه. (۱۳۸۹)، «تدوین مهم‌ترین پیامدها و عوامل تأثیرگذار بر مدیریت مردم محلی جنگل‌های زاگرس، مطالعه موردی: حوضه آبخیز قلعه گل استان لرستان». *مجله جنگل ایران*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۳۸.
- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (۱۳۸۷)، *سند توسعه منابع طبیعی و آبخیزداری در افق ۱۴۰۴*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و بودجه، نشر پونه.
- شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۱)، «ابعاد اجتماعی در مدیریت جنگل». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۱۹۳-۲۲۰.
- عبداللهی، ع؛ چیدری، م؛ پرشکی راد، غ؛ و علیزاده، ن. (۱۳۸۸)، «تحلیل مشارکت تشکل‌های مردمی در برنامه‌های ترویجی پیرامون توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: شوراهای اسلامی روستایی شهرستان میاندوآب و شاهین‌دژ». *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۲۷-۴۲.

- عظیمی، ن. و امیری لمر، م. (۱۳۸۷)، «ارزیابی اثرات اجرایی طرح سامان‌دهی خروج دام از جنگل بر جنگل‌نشینان در استان گیلان: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان رضوان‌شهر». *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۳، صص ۱۵۷-۱۷۱.
- فهام، ا.؛ رضوانفر، ا.؛ و درویش، ا. ک. (۱۳۸۸)، *مشارکت در جنگل‌داری اجتماعی*. تهران: پلک.
- کریمی، ا.؛ حسینی نصر، س.؛ جلیلود، ح.؛ و میریعقوب‌زاده، م. (۱۳۹۱)، «ارزیابی توان اکولوژیکی حوضه آبخیز بابل‌رود برای جنگل‌داری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)». *پژوهش‌های علوم و فنون چوب و جنگل*، سال ۱۵، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: مرکز آمار ایران.
- Agrawal, A. and Gibson, C. C. (1999), "Enchantment and disenchantment: the role of community in natural resource conservation". *World Development*, 37(4): 687-697.
- Atmis, E.; Dasedmir, I.; Lise, W.; and Yildiran, O. (2007), "Factors affecting women's participation in forestry in Turkey". *Ecological Economics*, 68: 787-796.
- Chopra, K.; Kadekodi, G. K.; and Murty, M. N. (1990), *Participatory Development, People and Common Property Resources*. New Delhi: Sage.
- Daniels, S. and Walker, G. (2001), *Working through Environmental Conflict: The Collaborative Learning Approach*. Westport: Praeger.
- Dolisca, F.; Carter, D. R.; McDaniel, J. M.; Shannon, D. A.; and Jolly, C. M. (2006), "Factors influencing farmers participation in forestry management programs: a case study from Haiti". *Forest Ecology and Management*, 236: 324-331.
- Emtage, N. and Suh, J. (2004), "Socio-economic factors affecting smallholder tree planting and management intentions in Leyte province, Philippines". *Small-scale For. Econ. Manag. Policy*, 3: 257-271.
- FAO (2010), *State of the World's Forests*. Rome: FAO.
- Guthiga, P. M. (2008), "Understanding local communities' perceptions of existing forest management regimes of a Kenyan rainforest". *International Journal of Social Forestry*, 1: 145-166.



- Kant, S. and Lee, S. (2004), "Social choice approach to sustainable forest management: an analysis of multiple forest values in Northwestern Ontario". *Forest Policy and Economics*, 6: 27-42.
- Lingani, C.; Pacaline, S.; Parice Tigabu, M.; and Oden, P. (2011), "Factors influencing people participation in the forest management program in Burkina Faso, West Africa". *Forest Policy and Economics*, 13: 292-302.
- Lise, W. (2000). "Factors influencing people's participation in forest management in India". *Ecological Economics*, 34: 379-392.
- Maskey, V.; Gebremedhin, T. G.; and Dalton, T. J. (2006), "Social and cultural determinants of collective management of community forest in Nepal". *Journal of Forest Economics*, 11: 261-27.
- Meinzen-Dick, R.; Knox, A.; and Gregorio, M. D. (1999), "Collective action, property rights and devolution of natural resource management: exchange of knowledge and implications for policy". *International Conference*, 21-25 June 1999. DSE/ZEL, Germany, Puerto Azul, the Philippines.
- Oakley, P. (1999), *Projects with People: The Participation in Rural Development*. Geneva: ILO.
- Owubah, C. E.; Le Master, D. C.; Bowker, J. M.; and Lee, J. G. (2001), "Forest tenure systems and sustainable forest management: the case of Ghana". *Forest Ecology and Management*, 149: 253-264.
- Putman, R. D. (1993), "The prosperous community: social capital and public life". *American Prospect*, 13: 35-42.
- Shackleton, S.; Campbell, B.; Wollenberg, E.; and Edmunds, D. (2002), "Devolution and community based resource management creating space for local people to participate and benefit?". *Nature Resource Perspective*, 76 *Overseas Development Institute*.
- Thacher, T.; Lee, D. R.; and Schelhas, J. W. (1997), "Farmers' participation in reforestation incentive programs in Costa Rica". *Agroforestry Systems*, 35: 269-289.

- Van Tatenhove, J. P. M. and Leroy, P. (2003), "Environment and participation in a context of political modernization". *Environmental Values*, 12: 155-174.
- Weeks, P. and Packard, J. M. (1997), "Acceptance of scientific management by natural resource dependent communities". *Conservation Biology*, 11: 236-245.
- Wesselink, A.; Paavola, J.; Fritsch, O.; and Renn, O. (2011), "Rationales for public participation in environmental policy and governance: practitioners' perspectives". *Environment and Planning*, 43(11): 2688-2704.
- White, A. and Martin, A. (2005), "Who owns the world's forest? Forest tenure and publication forest in transition". In: Sayer, J. (Ed) *The Earthscan Reader in Forestry and Development*. Routledge.
- Wondolleck, J. M. and Yaffee, S. I. (2000), *Making Collaboration Work: Lessons from Innovation in Natural Resource Management*. Washington, DC: Island Press.
- Zhang, D. and Pearse, P. H. (1996), "Differences in sivicultural investment under various types of forest tenure in British Columbia". *Forest Science*, 44: 442-449.
- Zhang, Y. (2001), "Economics of transaction costs saving forestry". *Ecological Economics*, 36: 197-204.